

بررسی حقوق شغلی و مدنی زنان در ایران و جهان

امیرحسام فاطمی

کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Hessamfatemi.org@gmail.com

چکیده

امروزه حقوق شغلی و مدنی زنان از جمله مباحثی است که مورد توجه متخصصان امر قرار گرفته است زیرا در دستیابی یک جامعه به اهداف توسعه، استفاده از نیروی کار نیمی از افراد جمعیت آن حائز اهمیت فراوان است حقوق شغلی مندرج در اسناد بین المللی از جمله حقوقی است که زنان در بیشتر جوامع در مضیقه آن به سر می‌برند، با این وجود می‌توان آنان را بهترین و بالاترین معیار به منظور نقد و بررسی وضعیت حقوقی اشتغال زنان محسوب کرد کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان از مهم ترین اسنادی است که به طور مفصل به زوایای مختلف اشتغال زنان پرداخته و خواستار رفع نابرابری ها و محدودیت های موجود در این زمینه شده است بنابراین، در جهت شناخت موانع و تنگناهای موجود در قوانین ایران در خصوص احقاق وضعیت شغلی زنان در مقایسه با کنوانسیون مذکور، ابتدا وضعیت کلی اشتغال زنان به وسیله آمار نشان داده شده است، ضمن آنکه مباحثی پیرامون موانع اشتغال زنان نیز مطرح می‌گردد همچنین دیدگاه اسلام و سایر اسناد بین المللی نیز در این خصوص، مورد بحث قرار گرفته است، سپس اصول حاکم بر اشتغال زنان که به اصول عمومی و اصول اختصاصی تقسیم می‌شوند در کنوانسیون و قوانین موضوعه ایران مورد بررسی قرار گرفته و بعد از آن به بررسی اشتغال زنان در مناصب مهم دولتی و سیاسی در کنوانسیون و قوانین موضوعه ایران پرداخته شده و در پایان ضمن نتیجه گیری، پیشنهادهای در جهت رفع محدودیت‌های حقوقی و غیرحقوقی اشتغال زنان ایرانی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: حقوق شغلی، حقوق مدنی، حقوق اشتغال زنان در ایران، حقوق اشتغال زنان در جهان.

مقدمه:

از آنجا که همواره توجه به موضوعات و پژوهش‌های علمی همراه با پدیده‌ها و نیازهای هر عصر بوده است، امروزه نیز توجه به مسایل زنان و مطالعات پیرامون آنها و نیاز به پژوهش علمی در رابطه با آن به صورت یک امر ضروری ظاهر شده است موضوعی که تقریباً تا مدتی پیش به دلایل خاص فرهنگی، تاریخی و شاید به خاطر عدم شناخت و اهمیت آن نقش چندانی در مطالعات علوم انسانی نداشته است، اکنون بخشی از کل رشته‌های علوم انسانی را به خود اختصاص داده است و از مباحث پر رونق در محافل علمی و اجرایی در سطح ملی و بین‌المللی گردیده است.

در این راستا توجه به حقوق زن، به عنوان بخشی از مطالعات زنان به دلیل اهمیت بنیادی که در وضعیت زنان در عرصه‌های گوناگون دارد، قابل پیگیری بیشتری می‌باشد از طرفی حقوق زن در مقایسه با سایر نظام‌های حقوقی مربوط به افراد، شکل خاص خود را نیز دارد و آن به دلیل تنوع جنبه‌های حقوقی مربوط به آن است به طوری که در میان کلیه شاخه‌های علم حقوق برای خود جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا زنان علاوه بر اینکه نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند، طیف وسیعی از اقشار گوناگون جامعه را نیز در بر می‌گیرند بدین ترتیب حقوق زن ضمن اینکه از جنبه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی قابل بررسی است، به طور مستقیم و غیرمستقیم با تمام زمینه‌های حقوقی و به عبارتی با کل علم حقوق در ارتباط است.

در تعریف حقوق زن می‌توان گفت در سطح کلی، جزیی از حقوق بشر است که به عنوان حقوق اساسی و غیرقابل انتقالی تلقی شده که برای زندگی زن به عنوان یک انسان ضروری است و به صورت جزیی تر، حقوق زن عبارت است از آن حقوقی که برای زندگی انسانی زن به واسطه زن بودن؛ یعنی جنسیت او ضرورت دارد بنابراین ضمن اینکه عنصر اساسی مفهوم حقوق زن، تساوی با مردان و رفع تبعیض نسبت به زنان به سبب جنسیت آنها است، از طرف دیگر عنصری وجود دارد که بدون آن با اجرای عنصر اول به مقصود اصلی نخواهیم رسید و آن تدابیر حمایتی است که باعث ایجاد شرایط لازم جهت تساوی زن و مرد می‌گردد.

مبنای اصلی برابری زن و مرد به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر به حقوق طبیعی بر می‌گردد، حقوقی که به صرف انسان بودن برای انسان حاصل می‌شود و اراده انسانی در ایجاد آن دخالتی ندارد و قواعد آن ثابت و غیرقابل تغییر می‌باشد؛ بدین معنا که اگر صاحب حق بودن برخاسته از ذات انسان و لازم و ملزوم انسانیت اوست، پس نابرابری‌های فیزیکی و اختلافات مبتنی بر نژاد، زبان، جنس، آداب و سنن، محیط زندگی و غیره نمی‌توانند در حقوق انسانی وی موثر افتد.

در سال‌های اخیر، طرفداران حقوق زن در جهت برابری و رفع تبعیض نسبت به زنان تلاش‌های بسیاری نموده‌اند، لکن علی‌رغم موفقیت‌های نسبی، زنان در جهت رسیدن به تساوی حقوق انسانی با مردان راه طولانی در پیش دارند زیرا هنوز تبعیضات زیادی بین زنان و مردان به چشم می‌خورد که یکی از آنها تبعیض در زمینه حق اشتغال و داشتن کار می‌باشد.

حق اشتغال یکی از حقوق بنیادین انسان‌ها است که جزء حقوق فطری محسوب می‌گردد این حق، مقوله‌ای با اهمیت بسیار است که در به ثمر نشستن نیازهای مادی و غیرمادی نقش اساسی دارد؛ زیرا کار علاوه بر اینکه یک نیاز معنوی می‌باشد راهی برای وصول به نیازهای ضروری است نیازهای هر انسانی از خواسته‌های جسمانی، روانی و اجتماعی وی سرچشمه می‌گیرد و بسیاری از آنها باید از طریق کار و اشتغال برطرف شود.

این حق اگر چه حقی متعلق به همه افراد بشر است لکن برای بهره‌گیری از آن زنان نسبت به مردان با مشکلات و معضلات بسیاری مواجه هستند.

اسناد بین‌المللی حقوق بشر اعم از اسناد عام و اسناد ویژه طرفدار حقوق زنان، سعی در رفع نابرابری‌ها و تبعیضات شغلی زنان داشته و در تغییر بنیان‌های اجتماعی و قانونی تلاش نموده‌اند کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان مجموعه منسجمی از همه استانداردهای حقوق زنان و یکی از دستاوردهای مهم جامعه بین‌المللی است که به بررسی ابعاد مختلف حقوق شغلی زنان می‌پردازد.

این کنوانسیون نظری بر ایده‌های فمینیستی نداشته و در واقع، به موقعیت واقعی زنان در جوامع می‌پردازد و سعی در جهت رفع قوانین غیرمساعد و تبعیض‌آمیز علیه زنان، از طریق تشویق کشورها به همراهی و الحاق به این کنوانسیون نموده است آنچه

در نهایت به ذهن خطور می‌کند، این است که تلاش‌های رفع تبعیض از زنان از جنبش‌های طرفدار زن گرفته تا اسناد حقوقی و اعلامیه‌های جهانی حامی حقوق بشر، همه در پی یافتن راهی برای غلبه بر نابرابری‌ها بوده و هستند، اما چرا با وجود همه این حمایت‌های جهانی، باز هم زنان قادر به رهایی از قفس آهنین چنین وضعیتی برای نیل به حقوق حقه خود نیستند. آنچه موجب شده ایران به کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان نپیوندد، تصور برخی از علمای دینی در خصوص این سند بین‌المللی می‌باشد، این گروه هر گونه تغییر و تحول در مقررات فقهی نظیر قضاوت را غیرممکن و تحریف در قوانین اسلامی می‌دانند با تغییر در چنین دیدگاه‌هایی می‌توان به ارتقاء حقوق زنان با موازین حقوق بشر امیدوار بود که در اینجا فقه پویا باید مساعی خود را در جهت اصلاح قوانین به کار اندازد.

این تحقیق بهانه‌ای بود تا شاید بتوان با بررسی و بحث بیشتر، موضوع نابرابری حقوق شغلی زنان در ایران را به چالش کشانده و همگام با کشورهای که رفع تبعیض نسبت به زنان را پذیرفته‌اند، اقدام به ایجاد مکانیسم ویژه جهت استقرار برابری نمود. موضوع مقاله با اهداف بنیادی زیر پیگیری می‌شود:

- بررسی حقوق شغلی زنان در نظام حقوقی ایران
 - بررسی حقوق مدنی زنان در قانون اساسی ایران
 - بررسی اشتغال زنان در کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان
 - و در آخر تبیین موانع و تنگناهای موجود در قوانین ایران در خصوص احقاق حقوق زنان
- امید است بتوانیم در جهت ارتقاء وضعیت حقوق شغلی و مدنی زنان و احقاق نیمی از جمعیت فعال کشور که در همه عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره ظرفیت، قابلیت و شایستگی خود را به اثبات رسانیده‌اند، گامی هر چند کوتاه برداریم.

حقوق شغلی زنان از دیدگاه اجتماعی و اقتصادی

زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی، نه تنها موضوع هدف هر نوع توسعه‌ای هستند، بلکه اهرم مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشند تجهیز این منبع مهم و به کارگرفتن صحیح و مطلوب آن، نه تنها نیل به اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را آسان‌تر می‌کند، بلکه از نظر تحقق هدف‌های مربوط به توزیع عادلانه‌تر درآمدها و بالابردن سطح رفاه خانواده تاثیرات مثبتی بر جای خواهد گذاشت.

ضرورت و الزام اقتصادی اجتماعی مشارکت مولد زنان در برنامه‌های توسعه، در تکامل تاریخ و پیشرفت جوامع بشری، همیشه مطرح بوده است لیکن هنوز در جوامع عقب‌مانده و در حال توسعه، در امر مشارکت عادلانه زنان و مردان در فعالیت‌های اقتصادی و استفاده منصفانه از فرصت‌های مشارکت و بروز خلاقیت و استعداد برتر تعادل مطلوب و قابل قبول برقرار نشده است در این بخش، ابتدا در قالب گفتار اول به طور خلاصه به بررسی وضعیت آمار اشتغال زنان در دنیا و ایران می‌پردازیم و در پایان نامه اصلی به طور کامل شرح خواهیم داد.

وضعیت اشتغال زنان از نگاه آمار

به طور سنتی نیروی کار شامل همه افرادی می‌شود که برای تهیه و تولید کالا و خدمات اقتصادی کار می‌کنند در عمل، این تعریف مشکلات خاصی را به ویژه در زمینه آمارگیری از کار زنان به وجود می‌آورد مکرراً مشاهده شده است فعالیت‌هایی که نوعاً توسط زنان انجام می‌گیرد، به طور منظم از آمار نیروی کار و درآمد ملی خارج می‌شود در بسیاری از نظام‌های اقتصادی، تمایل به نادیده گرفتن کار زنان وجود دارد و چنین تمایلی بر روش‌های جمع‌آوری اطلاعات آماری از فعالیت‌های زنان تاثیر می‌گذارد مشکلات روش‌شناسی در تحقیقات، از قبیل زمان مراجعه تعیین یک روز در یک هفته، عدم توجه به تغییرات فصلی و اشتغال نوبتی و همچنین مشکلات اجرایی کار از قبیل جنسیت آمارگیران و افراد مصاحبه شونده اغلب با مردان مصاحبه می‌کنند و احتمالاً مردانی که رئیس خانواده هستند و نیز مشکلات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی، همه این عوامل در کم تخمین زدن میزان اشتغال زنان در آمارهای رسمی بسیاری از کشورها موثر می‌باشند.

مشکل محاسبه کار زنان به ویژه در دو بخش حاد می‌شود، یکی کار در کارگاه‌های خانوادگی بدون مزد و دیگری کارهای خانگی است در بسیاری از کشورها، کارگران خانوادگی بدون دستمزد در بخش‌های اقتصادی فعالیت می‌کنند ولی در کشورهای در

حال توسعه این‌گونه کارگران در بخش کشاورزی نقش مهمی را عهده دار می‌باشند زنان روستایی نه تنها در تولیدات اولیه کشاورزی فعال هستند، بلکه حتی مسئولیت نگهداری و مراقبت از دام‌ها و تولید فرآورده‌های دامی با آنها است، ضمن اینکه مشغول فعالیت‌های مختلف غیرزراعی از قبیل فرابری، انبار کردن و بازاریابی محصولات کشاورزی نیز می‌باشند. مشکل اساسی در محاسبه و بررسی کارهای خانوادگی بدون مزد آن است که این نوع کارها تفاوت آشکاری با کارهای خانگی ندارند در واقع همه اعضای خانواده‌های کم‌درآمد (اعم از مرد، زن و فرزند (در تأمین احتیاجات اولیه خانواده خود مشارکت می‌کنند حتی اگر مرد و زن به طور مساوی وقت خود را در فعالیت‌های اقتصادی صرف کنند، باز هم معمولاً زنان اداره خانه را برعهده دارند در کشورهای در حال توسعه، زنان وقت و کار بیشتری را برای تهیه غذا و تامین آب و نیازهای سوختی خانواده مصرف می‌کنند.

اشتغال زنان در دنیا

این واقعیت که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، نمی‌تواند مورد انکار باشد. مطالعات جمعیت‌شناسی و آمار و سرشماری‌های مختلف نیروی انسانی در نقاط مختلف گیتی، جایی برای شک باقی نمی‌گذارند با این وصف از دیدگاه اقتصادی و آمارهای مربوط، همه زنان را جزو جمعیت فعال نمی‌شناسند در برخی از گزارش‌های دفتر بین‌المللی کارنسبت زنان به کل جمعیت فعال بیش از یک سوم ذکر شده است علاوه برآن گزارش مزبور چهل درصد زنانی که در سن کارکردن هستند عملاً به کار اقتصادی مشغول بوده و جزو نیروی کار محسوب شده‌اند.

بررسی اصول عمومی مرتبط با حق برابری زنان

این بخش مشتمل بر پنج گفتار می‌باشد که به بررسی اصول عمومی مرتبط با حق برابری زنان که عبارتند از حق اشتغال به عنوان یک حق لاینفک حقوق انسانی، حق برخورداری از فرصت‌های شغلی یکسان، حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل، حق برخورداری برابر از ارتقاء مقام و امنیت شغلی، حق دریافت مزد مساوی و حق برخورداری از تامین اجتماعی می‌پردازیم.

حق اشتغال به عنوان یک حق لاینفک حقوق انسانی

مطابق صدر ماده یازده کنوانسیون دولت‌های عضو باید اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال انجام دهند و اطمینان دهند که بر مبنای تساوی مردان و زنان، حقوق یکسان برای آنها تضمین شود. چنانچه ملاحظه می‌شود این ماده به صراحت تساوی در حق اشتغال زنان و مردان را تشریح می‌نماید بنابراین ابتدا به بررسی مقصود کنوانسیون از رفع تبعیض و تساوی زن و مرد می‌پردازیم و سپس مفهوم حق اشتغال از دیدگاه کنوانسیون مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رفع تبعیض و تساوی زن و مرد از دیدگاه کنوانسیون

مقتضای اصل تساوی، اعمال آن با توجه به وضعیت واقعی افراد؛ یعنی در نظر گرفتن موقعیت متفاوت آنها از حیث جنس و نژاد است اجرای اصل تساوی به طور صوری و بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها، غیر عادلانه است. تبعیض به معنای رفتار متفاوت بوده و تبعیض جنسی عبارت است از رفتار متفاوت به دلیل جنسیت تبعیض فی نفسه مفهومی بی طرفانه و خنثی است، درست همان طور که دارویی می‌تواند برای مداوا یا برای قتل به کار رود، اما به هنگام استعمال واژه تبعیض در خصوص جنسیت، واقعیات موجود ذهن را به سوی مفهوم تحقیر آمیز و منفی آن نسبت به جنس مونث رهنمون می‌سازد این تبعیض ناروا، رفتار متفاوت نسبت به زنان را برای ایجاد تساوی ضروری می‌سازد تبعیض مثبت به نفع مردان معمولاً به معنای تبعیض منفی علیه زنان است، در حالی که تبعیض مثبت به نفع زنان فقط به ظاهر نتیجه منفی به زیان مردان دارد؛ زیرا اولاً، به طور کلی ساختار حقوقی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع به نفع وضع و موقعیت مردان است، و ثانیاً تبعیض یا اقدام مثبت به نفع زنان یا به دلیل تبعیض گذشته نسبت به آنها صورت می‌گیرد و جنبه موقتی دارد) تا حصول تساوی (یا متضمن قواعد و تدابیری است که به طور طبیعی نسبت به مردان قابل اعمال نیست و جنبه دائمی دارد مانند مقررات حمایتی مربوط به جنبه مادری زن

بنابراین، تفاوت جسمی و طبیعی زن و مرد می تواند دلیل منطقی یا عادلانه برای رفتار متفاوت با زنان از حیث وضع قوانین حمایتی به نفع آنها در خصوص جنبه مادری یا توان جسمانی زن و از لحاظ تعیین نوع و شرایط کار او باشد اما مسلماً، این تفاوتها نمی تواند دلیلی برای وضع امتیازاتی به نفع مردان در زمینه های مختلف باشد، چنانکه در کلیه جوامع کم و بیش معمول بوده است.

همچنین باید توجه داشت انعکاس مفاهیم برابری زن و مرد در قوانین داخلی کشورها کافی نیست چرا که تساوی دوژوره می تواند تبعیض دو فاکتور را در بر داشته باشد.

از دید بعضی، کنوانسیون هدف خود را برقراری تساوی کامل بین حقوق زن و مرد می داند، چرا که بدون در نظر گرفتن تنوع در ساختار جسمانی، بیولوژیکی و هورمونی هر دو جنس تبیین شده است این اشخاص معتقدند در کنوانسیون هر نوع تفاوت بین زن و مرد در حقوق و تکالیف تبعیض محسوب شده است، هر چند آن تفاوتها ثمره تفاوت های تکوینی زن و مرد باشد باید گفت روح حاکم بر این کنوانسیون، اعطای حقوق طبیعی افراد به آنهاست و حقوق طبیعی در تفکر منادیان آن، هیچ گاه تساوی یا تشابه کامل حقوق زن و مرد نبوده است، مسلماً در مقام برقراری تساوی کامل بین زن و مرد در تمامی زمینهها نیست، بلکه هدف آن ارتقا بخشیدن به مقام زن و همسان قراردادن او با مرد در زمینههایی است که مظلومانه عقب نگه داشته شده است.

تساوی حقوق زن و مرد در قانون اساسی

اصل بیستم قانون اساسی بیان می دارد که همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند این برابری اصولی که بارها مورد تایید قانون اساسی قرار گرفته در چارچوب موازین اسلامی طراحی شده است، بنابراین مشروط و مقید است به همین جهت هر جا که قوانین اسلامی تمایزات حقوقی خاصی را بین زنان و مردان قائل شده است، نظام جمهوری اسلامی نسبت به آن متعهد و وفادار خواهد بود.

از معایب نوشتار قانون اساسی هم می توان به یکسان نبودن دیه زن و مرد، دادن حق فرزند و حق طلاق و حق ممنوع الخروجی زنان به مردان، اجازه نداشتن زنان برای انتصاب شغل های سیاسی، قوانین سختگیرانه برای پوشش زنان که در سال های اخیر باعث اعتراضات بسیاری شده است اشاره کرد.

حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل

آزادی یک حق اساسی و از زمره حقوق انتخابی است که فرد در حوزه آن، حق انتخاب و گزینش دارد آزادی عبارت از این است که انسان حق داشته باشد هر کاری را که قانون اجازه داده و می دهد انجام دهد و آنچه را قانون منع کرده و صلاح او نیست مجبور به انجام آن نگردد، در این صورت اگر مرتکب اعمالی شود که قانون منع کرده دیگر قانونی وجود نخواهد داشت یکی از حقوق اساسی انسان، حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل می باشد که از نتایج آزادی شخصی و حرمت نهادن به انسان دنباله شخصیت اوست در این گفتار به بررسی این حق از دیدگاه کنوانسیون و قوانین موضوعه ایران می پردازیم و محدودیت های موجود بر آزادی انتخاب شغل زنان در ایران را مورد بررسی قرار می دهیم.

حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل در کنوانسیون

کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان در ماده یازده به حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل که در راستای رفع تبعیض شغلی است می پردازد.

منظور از حق انتخاب آزادانه شغل، این است که اشخاص متناسب با تواناییها، استعدادها، مهارتها و تخصصهای خود بتوانند به کار مورد علاقه خود بپردازند البته بدیهی است این حق به طور مطلق نخواهد بود و افراد نمی توانند به دیگران زیان برسانند و یا برخلاف قوانین عمل کنند اعلامیه جهانی حقوق بشر ضمن تاکید بر عدم تبعیض در استفاده از آزادیهای ذکر شده، در ماده مقرر می دارد هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

آزادی کار تنها با لغو کار اجباری یعنی زدودن هر گونه مانع از سر راه انتخاب شغل صورت نمی‌گیرد علاوه بر این، باید شرایط مثبتی فراهم شود که با لغو تبعیض‌های جنسی، زنان بتوانند همانند مردان مشاغل موردعلاقه خود را بدست آورند.

محدودیت‌های اختصاصی

برابری زن و مرد به تصدی مشاغل مهم دولتی و سیاسی در کنوانسیون بند اول: برابری زن و مرد به تصدی مشاغل مهم دولتی و سیاسی در سطح ملی.

مشارکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آن و انتخاب به سمت‌های دولتی و انجام کلیه مسئولیت‌های دولتی در تمام سطوح دولت‌چنانچه ملاحظه می‌کنیم کنوانسیون مذکور دولت‌های عضو را متعهد می‌کند تمام اقدامات لازم را برای حذف تبعیض علیه زنان به عمل آورند و امکان دستیابی به مناصب و مشاغل عمومی و حکومتی در تمام سطوح را برای زنان همانند مردان فراهم کنند بدیهی است این حق عام و تام، تساوی و برابری جایگاه و موقعیت زنان با مردان در سمت‌ها و مشاغل قضایی را نیز شامل می‌شود.

جایگاه زنان در قوای سه گانه مجریه، مقننه، قضائیه

قوه مجریه

ریاست جمهوری

اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی مقرر می‌دارد پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود برعهده دارد.

همچنین اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی در مورد شرایط رئیس‌جمهوری اشعار می‌دارد رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

در مورد شرایط ریاست جمهوری در پیش نویس قانون اساسی آمده بود که رئیس‌جمهور باید مسلمان و ایرانی الاصل و تابع ایران باشد، براین اساس چنانچه مشاهده می‌کنیم هیچ اشاره‌ای به جنسیت نشده بود.

در مورد اینکه آیا زن نیز می‌تواند مقام ریاست جمهوری را احراز کند، در میان نویسندگان بحث‌های فراوانی صورت گرفته است منشا اختلاف نظرات، تفاوت برداشت‌ها از اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی که شرایط رئیس‌جمهور را برشمرده و کلمه رجال سیاسی که در این اصل به کار رفته است می‌باشد و این کلمه باعث واجد شرایط نبودن نیمی از جمعیت کشور یعنی زنان کشور می‌شود.

نتیجه‌گیری

در انتها هر چند حقوق زنان حقوق انسانی است اما به صورت یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات در زمینه حقوق بشر درآمده است، گزارش‌های آمار، اطلاعات و واقعیات ملموس و عینی نشان از نقض فاحش و گسترده حقوق اساسی بشر، به ویژه زنان در سراسر جهان دارد امروزه به رغم تمامی تلاش‌ها، اقدامات و تدابیری که جهت ارتقای وضعیت زنان صورت گرفته، زنان دنیا همچنان از لحاظ اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در جایگاه فرودست تری نسبت به مردان به سر می‌برند و وضعیت موجود آنها حکایت از آن دارد که تا زمانی که ریشه مشکلات آنان به طور اساسی خشکانده نشود، نباید انتظار داشت که در عمل، در وضعیت آنان بهبودی حاصل شود.

می‌توان گفت محدودیت‌هایی که بیش از حد برای زنان در زمان‌های گذشته در وظایف اجتماعی و سیاسی وجود داشته، نه به خاطر جنسیت آنها بلکه به سبب عوامل دیگری است که عمده‌ترین آن، زیرساخت‌های ذهنی نادرست جوامع می‌باشد که به عنوان علت اصلی عدم دست‌یابی زنان به حقوق انسانی خود تلقی می‌شود سنت‌های نادرست، الگوهای رفتاری غیرمطلوب و در بسیاری موارد، ملاحظات نابجای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که زنان را از گستره برخورداری از حقوقی که به صرف انسان بودن باید از آن بهره‌مند باشند، دور نگه داشته است و این مسئله امروز به یکی از مهم‌ترین مباحث در خور بررسی حقوق بشر تبدیل شده است مشکل اصلی زنان در این است که هنوز زیرساخت‌های ذهنی جوامع دست‌نخورده باقی مانده است و در

بینش، نگرش و به طور کلی ساختار فرهنگ جوامع که منجر به پیدایش مناسبات نابرابر میان زنان و مردان در برخورداری از قدرت در طول تاریخ شده است، تغییرات اساسی صورت نگرفته است. این دگرگونی زمانی به وقوع می‌پیوندد که حقوق انسانی زنان به رسمیت شناخته شود و تلاش‌های لازم برای حمایت و تامین آن حقوق به تحقق بپیوندد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، از آنجا که برطبق قانون اساسی، به نظر می‌رسد به طور کلی تبعیض در اشتغال بر مبنای جنسیت وجود ندارد، ولی بررسی‌های به عمل آمده در این زمینه به وجود تبعیضات قانونی، شرعی و به علاوه نابرابری‌های اجتماعی اذعان دارد.

زنان ایرانی از تصدی برخی مشاغل قضایی و سیاسی محروم هستند، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صفات و شرایط قاضی را طبق موازین فقهی به موجب قانون دانسته است در سال شصت و یک با تصویب قانونی در مجلس شورای اسلامی زنان از اشتغال به قضاوت به طور مطلق محروم شدند در سال‌های بعد با انجام اصلاحاتی از شدت این ممنوعیت کاسته شد، به طوری که با وضع قانون جدید در سال زنان توانسته‌اند به برخی مشاغل قضایی دست پیدا کنند، ولی هنوز حق انشا رای را ندارند در مورد اشتغال زنان شوهر دار نیز در قوانین ایران محدودیت‌هایی وجود دارد برابر قانون مدنی، شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه و شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات زوجین است منع کند.

ریشه این محدودیت‌ها را می‌توان ناشی از نگاه ظاهر بین و نادرست برخی افراد به روایات دانست که متأسفانه در قوانین ایران با برداشت فقهی، سنتی برآمده از دیدگاه مزبور، نابرابری‌های حقوقی میان زن و مرد مورد پذیرش قرار گرفته است.

کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان، همچنین به برابری در برخورداری از فرصت‌های شغلی، ارتقاء مقام، امنیت شغلی، دستمزد مساوی و بیمه‌های تامین اجتماعی و حق تصدی به مشاغل مهم دولتی و سیاسی نظر دارد و اگر جامعه ایران بتواند در این زمینه از نگاه دوگانه جنسیتی به زن فاصله بگیرد تبعیضاتی که در این مورد وجود دارد قابل رفع خواهد بود.

البته باید گفت برخی تمایزات، استثناءها و حق تقدم‌ها در زمینه اشتغال و استخدام تبعیض محسوب نمی‌شود چنانچه فلسفه ممنوعیت انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیش از حد مجاز و محدودیت‌های قانونی در استخدام زنان در نیروهای مسلح را باید در حمایت از زنان و نیز کوشش برای بالا نگه داشتن بازده کار جستجو کرد نه محروم نمودن و ممنوع کردن زنان از برخی مشاغل چه بسا انجام کارهای سخت و زیان آور که با قوای جسمانی زنان ارتباط مستقیم دارد برای زنان، هر چند که از لحاظ نیروی دماغی در سطح مساوی با مردان هستند چون از نظر جسمانی به هر حال ضعیف‌تر از آنان می‌باشند، مناسب نیست.

در ایران با اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش اشاره کرده و هیچ تبعیضی از این نظر بین زنان و مردان قایل نشده، با اینکه قانون اساسی همه افراد ملت را اعم از زن و مرد، به طور یکسان در حمایت قانون قرار داده و با اینکه زنان ایران تمایل خود را به مشارکت در فرایند قانونگذاری و سیاستگذاری به طرق مختلف ابراز داشته‌اند، اما هنوز فاصله بسیاری بین رفتارها و عملکردها با گفتارها و نوشتارها و خلاصه، بین آنچه که هست و با آنچه که باید باشد وجود دارد؛ به عبارتی دیگر محدودیت‌ها گاهی از عوامل غیرحقوقی نشأت گرفته و در برخی مواقع قانون نانوشته‌ای باعث محدود یا ممنوع کردن اشتغال زنان می‌شود که عمدتاً ریشه در مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورها دارند.

لازم به ذکر است از بین بردن موانع غیرحقوقی اشتغال زنان، تنها با تصویب قانون یا لغو و فسخ قانون دیگر حل نمی‌شود؛ زیرا این موانع ریشه در فرهنگ، باورهای اجتماعی و عوامل فیزیکی دارند از این رو اگر چه از بین بردن تمامی این موانع کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد لکن دولت‌ها با اتخاذ تدابیر و اقداماتی می‌توانند تا حدودی این موانع را برطرف نمایند هر چند ممکن است تحقق چنین هدفی مدت‌های مدیدی به طول بیانجامد.

به هر حال باید به این نکته توجه داشت که با توجه به صراحت و روشنی معیارها و ضوابط بین المللی در مورد عدم تبعیض شغلی بر مبنای جنسیت، به نظر می‌رسد دولت جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق برابری زنان و مردان در احراز مشاغل باید راهکارهای زیر را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد.

هر یک از زوجین در صورتی که شغل همسر را منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود بداند می‌تواند از دادگاه تقاضای رسیدگی نماید دادگاه چنانچه اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود، فرد را از اشتغال به شغل مذکور منع خواهد کرد دولت باید با بازنگری در قوانین استخدامی قضات، شرایطی را فراهم آورد که بر اساس آن زنان بتوانند از حق احراز تمامی مشاغل قضایی و به ویژه قضاوت در معنای واقعی کلمه برخوردار باشند.

همچنین در اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی در خصوص شرایط رئیس جمهور عنوان رجال مذهبی و سیاسی حذف گردد تا شائبه اطلاق مرد بودن در احراز مقام ریاست جمهوری به طور کلی مرتفع گردد.

تاکید بر نظام شایسته سالاری، به گونه ای که در استخدام، انتصاب، ترفیع، ارتقا و اعطای امتیازات شغلی، صرفاً لیاقت و شایستگی افراد ملاک قرار گیرد و جنسیت به عنوان عامل حذف کننده در نظر گرفته نشود لذا به جاست در هر وزارتخانه و سازمان، کمیته‌ای از افراد مجرب و پایبند به نظام شایسته سالاری تشکیل شود و با توجه به بانک اطلاعاتی موجود درباره کارکنان سازمان‌ها، برای احراز مشاغل گوناگون، از بین زنان و مردان، به تعداد مساوی افراد شایسته و ذیصلاح را پیشنهاد کند تا مقام مربوطه از میان زنان و مردان شایسته بدون در نظر گرفتن جنسیت، مناسب ترین افراد را برگزیند.

به کارگیری نظام سهمیه بندی در جهت اجرای سیاست های مثبت حمایتی، یکی از راه های ایجاد تغییر و تحول در فرهنگ، پذیرش و اشاعه تغییر در راس هرم حکومتی است با توجه به اینکه در قانون اساسی از مرزبندی جنسیتی اجتناب شده است و در قوانین انتخاباتی و در شرایط احراز عضویت در شوراهای و نهادهای قانونگزاری و سیاستگذاری، شرط مرد بودن قید نشده است پیشنهاد می‌شود که حداقل سی درصد از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر نهادهای عالی سیاستگذاری را زنان تشکیل دهند و زنان شایسته و ذیصلاح به عضویت این نهادها پذیرفته شوند به کارگیری زنان در مقام های عالی سه قوه، اعزام زنان به عنوان نمایندگان دولت جمهوری اسلامی در سطح بین المللی، انتصاب زنان به عنوان سفیر، کاردار و یا وابسته فرهنگی در کشورهای خارجی در تغییر باورها و ارزش های فرهنگی، موثر واقع خواهد شد و شتاب تغییر در کل جامعه را تسریع خواهد کرد.

منابع

۱. مقاله ی مشاغل زنان در عصر رسالت نوشته ی محسن سعید زاده
۲. مقاله ی مفهوم مطلق حقوق زن نوشته ی فریده شایگان
۳. مقاله ی زنان در قدرت و تصمیم گیری نوشته ی شهیندخت مولوردی
۴. مقاله ی وضعیت حقوقی زنان در جامعه بین المللی نوشته ی شهناز نیک انجام
۵. کتاب حقوق زن در اسلام و جهان نویسنده یحیی نوری
۶. کتاب حقوق زن نویسنده شیرین عبادی